



نقش دانشگاه ها و توسعه فرهنگ کار آفرینی و آموزش آن

معصومه عربشاهی

چکیده:

تاریخچه پیدایش آموزش کار آفرینی:

در گذشته فرض اساسی برای افراد کارآفرین این بوده است که این افراد ذاتا کارآفرین متولد می شوند و دارای ویژگیهای ذاتی مثل ابتکار، خلاقیت، هوش بالا، روحیه ریسک پذیری و دارای مهارتهای ادراکی بالایی هستند و به نقش آموزش و پرورش کارآفرینی اعتقادی وجود نداشت (احمد پورمقیمی ۱۳۸۰-صفحه ۲۲)

بنابراین بیشتر بر جنبه هنر کارآفرینی تاکید می گردد تا نقش آموزش در توسعه و ایجاد کارآفرینی برای اولین بار رشته کارآفرینی در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی در آمریکا ایجاد گردید و برای اولین بار دانشگاه کاکبری مجوز تاسیس دوره کارشناس ارشد را دریافت کرد کارآفرینی به عنوان یکی از رشته های اصلی مورد توجه قرار گرفت (احمد پور داریانی و مقیمی ۱۳۸۰-صفحه ۲۳)

در سال ۱۹۹۰ میلادی تحقیق در مورد آموزش کارآفرینی همچون یک رشته علمی جدید مورد توجه قرار گرفت و بر مواردی همچون توسعه روشهای تحقیق برای گنجایش اثربخشی آموزش کارآفرینی، محتوا و روش های آموزش، کارآفرینی، قابلیت افرادی که در زمینه آموزش کار آفرینی آموزش می بینند، پذیرش آموزش کارآفرینی در مدارس، وجود و توسعه یک چارچوب

امروز جایگاه اصلی توسعه تفکر کارآفرینی در واحدهای کوچک تولیدی و یا خدماتی است و در اغلب کشورها برای دست یافتن به پویایی اقتصادی به این امر توجه خاصی مبذول شده است و برای تحقق آن به نحو شایان توجهی از اهرمهای قانونی وامکانات مراکز آموزشی و پژوهشی کشور بهره برداری می گردد و در سیاست گذاریها و برنامه ریزیها عنایات خاصی به آن شده است.

امروزه به اکثر دولت مردان و سیاست گذاران آشکار شده است که می توانند از طریق نظام آموزشی به فراگیران تاثیر بگذارند و میزان کارآفرینی را در جامعه افزایش دهند. اگر نظام آموزشی به گونه ای باشد که افراد بتوانند علاوه بر کسب دانش، چگونگی استفاده از آن را در محیط و دنیای کسب و کار نیز یاد بگیرند، تعداد کارآفرینان و به تبع آن تعداد کسب و کارهای جدید افزایش خواهد یافت و همه نیز این مهم را قبول داریم که برای ایجاد کسب و کارهای تازه به دانش و مهارت بالایی نیاز می باشد (احمد پورداریانی و عزیزی ۱۳۸۳-صفحه ۵۳)

از آنجائیکه لازمه توسعه کارآفرینی، آموزش آن است (کارتی ۱۹۹۸) و یکی از مهمترین مدارک آموزشی، دانشگاه ها می باشند، بنظر می رسد در همه دانشگاههای کشور بایستی کارآفرینی بعنوان یک رشته علمی و آموزشی تدوین گردد. در این مقاله به اهمیت نقش دانشگاهها از نظر آموزش کارآفرینی و توسعه فرهنگ آن اشاره می گردد.



ج) شناسایی استعدادها و مهارتهای کارآفرینانه:

ایجاد نگرش و رفتار کارآفرینانه نیازمند شناسایی و تحریک استعدادهای آن است و این هدف به طور عمده در قالب سیاستها و برنامه های تشویقی و ترویجی و آموزشی پی گیری می شود. (احمد پور داریان و مقیمی ۱۳۸۰)

البته باید بدانیم مقبولیت کارآفرینی به عوامل فرهنگی بستگی دارد.

د) القای مخاطره پذیری با استفاده از فنون تحلیلی:

ریسک پذیری لازمه کارآفرین است. خوداتکایی و اعتماد به نفس بالا و آمادگی و شجاعت رویارویی با شکست و پذیرش مخاطره از الزامات کارآفرین است. تدریس دروسی مثل مدیریت ریسک و برای پرورش و توسعه منابع انسانی از روش برانگیختن نیل به هدف (MBO) استفاده میشود که زمینه را برای ایجاد واحدهای کوچک و با داشتن سبک مدیریت ریسک پذیر و کارآفرین آماده می کند. (احمد پورداریانی و مقیمی ۱۳۸۰)

مراکز آموزش کارآفرینی:

برای آموزش ، کارآفرینان و صاحبان کسب و کارهای گوناگون می توان از منابع و مراکز مختلفی همچون موسسات آموزش خصوصی ، اتاق های بازرگانی و کسب و کار و سازمانهای غیر دولتی فعال در بخش کارآفرینی ، سازمانها مشاوره ای استفاده کرد. (احمد پورداریانی و مقیمی) یکی از مراکز مهم جهت آموزش کارآفرینی ، دانشگاه کارآفرین می باشد.

دانشگاه کارآفرین:

یکی از چالشهای اساسی سازمانها در قرن ۲۱ تغییر و تحول است و محیط امروزی سازمانها مدیران را با چالشهای جدید روبرو می سازد.

علمی مشترک در زمینه کارآفرینی، اثربخشی دیگر شیوه های آموزش و نیازهای آموزش کارآفرین تعلیم یافته متمرکز شد. (احد پور داریانی و مقیمی)

اهداف آموزش کارآفرینی:

در حقیقت هدف از آموزش کار آفرینی تربیت و پرورش افرادی خلاق و نوآور است. زیرا خلاقیت و نوآوری لازمه کارآفرینی است. محورهای اساسی اهداف آموزش کارآفرینی را میتوان بطور زیر دسته بندی نمود:

الف) کسب دانش کارآفرینی:

از طریق آموزش کار آفرینی می توان در زمینه های چون ، تعریف کارآفرینی، سازمانهای کارآفرین، مدیریت کارآفرین و ویژه گیهای افراد کار آفرین و سیر تئوریک یک مباحث کارآفرینی اطلاعاتی را کسب کرد. (هنریسکون و سارو تاکیس ۱۹۹۲)

ب) حل مشکلات اشتغال فارغ التحصیلان و

بهبود بهره وری:

با توجه به آنکه فراگیری و ورود به کارهای سودآور برای همه میسر نیست بنظر می رسد آموزش کارآفرینی بتواند به حل مشکلات اشتغال و بهره وری کمک زیادی نماید.

پرداکنندگی جغرافیایی جمعیت در ایران در برخی نقاط و آموزش های مجازی از طریق اینترنت و هم چنین آموزشهای کارآفرینی و خلاقیت توسط موسسات کارآفرین می تواند در این زمینه به بهبود حل مشکلات اشتغال کمک شایانی بنماید.



نقش دانشگاهها کارآفرین در کارآفرینی:

دانشگاه می تواند در ارتقاء فعالیتهای کارآفرینانه به شکل زیر عمل نماید:

الف) سرفصل ها و برنامه های آموزش طوری طراحی شود تا دانشجویان را بطور مستقیم با کار آشنا سازند و با ایجاد پارکهای علمی- مراکز نوآوری کارگاههای تصمیم گیری، کارگاه های قیمت گذاری، بسته بندی محصول و عوامل دیگری که به نوعی فرآیند انتقال از دانشگاه را به فضاهای کاری مورد نیاز جامعه را تسهیل می نماید، مهیا کند.

ب) دانشگاه بایستی تعامل مستمر با محیط و صنعت و جامعه برقرار کند در این نقش دانشگاه بایستی موانع ارتباطات با محیط را برطرف کرده و به تبادل انرژی و مواد با محیط پرداخته و از محیط بازخورد دریافت کند تا بر مبنای آن، بتواند برای اقدامات اصلاحی لازم در روشها و محتوای آموزشی خود تلاش کند (کردنابیچ ۱۳۸۴ صفحه ۳۰)

ج) یکی از عوامل مهم در پرورش مفاهیم آموزشی در سطح فردی و سازمانی در دانشگاه ایجاد تفکر استراتژیک در دانشگاه هاست. تفکرات استراتژیک در دو سطح فردی و سازمانی باعث درک بهتر دانشگاه ها شده و به خلاقیت مکرر منجر میشود و از طرفی زمینه تعامل بیشتر بین مدیران و استادان و کارکنان و دانشجویان را فراهم می سازد و باعث بهره برداری از نبوغ و خلاقیت کارکنان و دانشجویان در دانشگاه ها میشود. -

عواملی مثل رقابت جهانی و انتظارات جوامع در حال تحول، نیازهای مدیریت جدیدی را مطرح می کند، مفاهیم مشارکت، توانمند سازی کارگروهی و انعطاف و... به منزله مسائل روز سازمانها، مدیران را به خودمشغول داشته است و در کنار این موارد تقاضاهای جدیدتر برای بهره وری و مزیت رقابتی از طریق کارآتر کردن عملیات و بهره گیری از فن آوری جدید و تعهد و التزام به ارائه محصولات و خدمات کیفی و جلب رضایت مشتری مطرح میشود. (لارسن ۱۹۹۲ صفحه ۴۰-۷۰)

لذا بایستی انقلابی در ذهن مدیران و کارکنان ایجاد گردد تا به طور اساسی مفهوم سازمان و کار و کیفیت و رقابت در ذهن آنها دگرگون شود.

در چنین شرایطی نقش سنتی مدیر کارآمدی خود را از دست می دهد و به کارآفرین نیاز است تا بتوانند از طریق خلاقیت، نوآوری و پشتکار، اعتماد به نفس و تحمل ابهام و پذیرش ریسک گامی موثر در جهت بحران اشتغال بردارند و بدیهی است که یکی از ابزارهای استراتژیک و کلیدی این امر وجود دانشگاهی کارآفرین در سطح عالی است.

و دانشگاه کارآفرین ، دانشگاهی تعریف می شود که همزمان با تاکید بر تولید علم و گسترش دانش به نیازهای آموزشی و پژوهشی و خدمات مشاوره ای تخصصی محیط نیز حساس باشد و از طریق ایجاد خلاقیت و رویه های تفکر هوشمندانه کمک به توسعه پایدار نموده و به طور فعال در جهت کسب و کارهای جدید به نوآوری بپردازد.



امید است پیروی سیاستهای اشتغال زایی و کاهش تورم نیروی انسانی بیکار دانشگاهها بتوانند در کنار مفهوم اشتغال زایی کارآفرینی مفاهیم و پیامدهای مثبت و مهمی مثل بارور شدن خلاقیت، ترغیب به نوآوری و توسعه آن، افزایش اعتماد به نفس ایجاد و توسعه تکنولوژی، تولید ثروت در جامعه و افزایش رفاه عمومی نیز توجه کنند زیرا باید بدانیم لازمه کارآفرین شدن توسعه فرهنگ کارآفرینی در جامعه است.

منابع و ماخذ

۱. احمد پورداریانی- محمود (۱۳۷۹)- کارآفرینی - تعارف نظریات و الگوها انتشارات پروین، تهران
۲. احمد پورداریانی- محمود و سید محمد مقیمی (۱۳۸۰ الف)- نقش آموزش در بهبود دانش صاحبان کسب و کار
۳. محمد مقیمی- کارآفرینی در سازمانهای دولتی- نشر فر اندیش ۱۳۸۰
۴. جلیل صمد آقایی- سازمانهای کارآفرین- مرکز آموزش مدیریت دولتی
۵. رضائیان علی ۱۳۸۳- مبانی سازمان و مدیریت- انتشارات سمت، تهران

مشخصات مقاله و نویسنده آن:

عنوان مقاله:

نقش دانشگاهها و توسعه ی فرهنگ کارآفرینی و آموزش آن نام و نام خانوادگی نویسنده :

معمومه عربشاهی

مقطع تحصیلی:

کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی

نام دانشگاه محل خدمت:

عضو هیئت علمی دانشگاه امام رضا (ع)

د) با توجه به آنکه آموزش افراد برای کارآفرین شدن سخت است ولی می توان به راحتی به آنها آموزش داد تا نزد کارآفرینان کار کنند ؛ در حقیقت ایجاد دوره های کارورزی در دانشگاهها، تجربه فوق العاده ای در کارآفرینی محسوب می شود. در صورتیکه اکثر دانشگاه های امروزی به فراگیران یاد می دهند چگونه برای دیگران کار کنند و کارمند خوبی باشند، بنابراین آموزش کارآفرینی باید به گونه ای باشد تا مجموعه مهارتهای فرد را برای رسیدن به مقامهای مدیریت افزایش یابد.

نتایج و بحث و نتیجه گیری:

در کشور ما به موضوع کارآفرینی در چند ساله اخیر توجه شده است و قبل از آن به جز چند مورد خاص تقریباً سابقه ای در زمینه فعالیت در خصوص آن وجود نداشته است. متأسفانه عده ای زیادی از مسئولین، مردم و حتی اساتید دانشگاهی برداشت و تصور غلطی از کارآفرینی دارند زیرا این واژه را به معنای ایجاد کار یا اشتغال زایی می دانند این برداشت غلط از کارآفرینی و هم چنین تورم نیروی انسانی بیکار در جامعه موجب بسیاری از سیاستهای که برای توسعه آن اتخاذ شد و نیز برنامه های تدوین شده صرفاً جنبه اشتغال زایی آن در نظر گرفته می شود و حتی در دانشگاهها نیز این مشکل به شکل ناخوشایندی وجود دارد. در دهه ۱۳۸۰ و هنگام تدوین برنامه سوم توسعه موضوع توسعه کارآفرینی مورد توجه وزارتخانه ها و هم چنین وزارت علوم و تحقیقات و فناوری قرار گرفت.